

کردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

۱۶۲ | خردادماه ۱۳۶۹، ژوئن ۱۹۹۰ | ۵۰ ریال

اطلاعیه دفتر سیاسی بمناسبت

زلزله در استانهای شمال کشور

هم میهنان ارجمند!
خلقهای شرافتمند ایران!
مردم مبارز کردستان!
بامداد روز پنج شنبه ۳۱ خردادماه سال ۱۳۶۹ شمسی،
کشور اخوند زده ما دچار مصیبت تازه‌ای

۱۱

نظام آخوندی، یکسال بعد از خمینی

یک سال قبل روز چهاردهم خردادماه خبر
مرگ خمینی بنیانگذار و رهبر رژیم جمهوری
اسلامی اعلام شده. خمینی کشور ویران و جنگ زده ای
را با اقتصاد ورشکسته و اوضاعی از نظر سیاسی و
اجتماعی بحرانی بسرای و ارشاد خود بجای
گذاشت. درحالیکه شماری از مشکلات اساسی رژیم
از جمله مساله انرژی و بریدگی آن از جامعه

۶

پیام دفتر سیاسی

بمناسبت

دهمین سالروز تاسیس رادیو
صدای کردستان ایران
هم میهنان مبارز!
مردم انقلابی کردستان!
رادیو "صدای کردستان ایران" امروز
۱۰ سال از عمر خویش را پشت سر می‌گذارد.
ویا به پانزده سالگی می‌شود. ده سال کار
عاشقانه، بیوقفه و موثر که به حقوق
آینده تمام نمایی از ۱۰ سال جنبش
انقلابی در کردستان است.

صدای کردستان ایران در شرایط آغاز
به کار کرد که هیچکدام از سازمانهای
سیاسی آنروز ایران ضرورتی برای ایجاد
یک رادیوی مستقل احساس نمی‌کردند. در
بهار سال ۱۳۵۹، اغلب سازمانهای سیاسی،

۲

بلوچستان، یک سنگر دیگر

مقاومت

مشارفانه انقلاب سال ۱۳۵۷ خلقهای
ایران بدلیل بی‌اکنندگی و بی‌برنامگی
سروهای ملی و شرقیخواه ایرانی توسط
آخوندها به سیراوه کشانده شد و در ۱۷

جمهوری اسلامی و مساله صلح با عراق

۴

جدال کهنه و نو

۱۵

پیام پیریک

۲۰

کوچ دسته جمعی

یهودیان به فلسطین

یکی از دستاوردهای
پرسترویکا در اتحاد
شوروی و دیگر کشورهای
اروپای شرقی، آزادی
سفر و مهاجرت به خارج از
آن کشورها بوده است.
بدیهی است که در جوامع
دمکراتیک، آزادی سفر و
انتخاب محل زندگی و

۱۲

کنفرانس

سران امریکا و شوروی

چهارشنبه، ششم خرداد،
مطابق با سی ام ماه
۱۹۹۰، منخائیل گورباچف
رئیس جمهوری اتحاد شوروی
برای یک دیدار رسمی وارد
واشنگتن بایستاد. ایالات
متحده آمریکا شد و از سوی
جرج بوش رئیس جمهوری آن
کشور مورد استقبال قرار

۹

هرگونه مشکلی بوده است، صدای کردستان در قلب جنبش مسلحانه کردستان با افت و خیزهای بسیاری روبرو شده است. در طول ۱۰ سال ۱۲ بار تغییر محل داده، و در زیر فشار یورش نیروهای رژیم از نقطه ای در کردستان به نقطه ای دیگر نقل مکان یافته است، بدون آنکه در پخش برنامه هایش توفقی حاصل شود، و حتی شنوندگانش بلافاصله متوجه تغییر محل گردند. سازمان دادن جنبش کماری، با توجه به آنکه رادیو صدای کردستان بناچار بایستی در نقاط صعب العبور و کوهستانی کردستان مستقر گردد امکان پذیر نموده است مگر در سایه عشق و ایمان محکم گردانندگان رادیو، تلاش فدائکارانه کادرها و پیشمرگان نستوه حزب و بالاخره علاقه و همکاری صمیمانه و همه جانبه مردم پرشور و حق شناس کردستان.

صدای کردستان ایران در طول عمر خود نمونه دقت و نظم و ترتیب در کار بوده است. چه از نظر اوقات شروع و پایان برنامه ها، و چه از نظر چگونگی تقسیم بندی و پخش مطالب.

صدای کردستان کوشیده است در همان حال که حدی ترین مایل را با شنوندگان خود در میان می گذارد، به زبان مردم معمولی کردستان سخن بگوید، زبانی ساده و بی تکلف، رعایت این اصل شاید گاه این تصور را پیش آورده باشد که محتوا فدای شکل و فرم شده است. لیکن رادیویی که برای برآورد صدای و زبان بوده صدای مردم باشد راه دیگری جز این نمیتواند در پیش بگیرد.

سراخام، صدای کردستان پیوسته و سواست داشته است که راستگو باشد، و از تادرسی و تحریف بدور بماند. اگر هم

گاهگاهی بسبب بعضی اشکالات مربوط به خبررسانی، در پخش اخبار و گزارشهای صدای کردستان مطلبی نادقیق، بیانادرست وارد شده باشد بدون شک مسؤولان و گردانندگان رادیو خود بیش از همه از این اشتباه آزرده خاطر شده اند، و بیش از هرکس دیگری سعی کرده اند که آن را رفع و تصحیح نمایند. بهمین دلیل است که صدای کردستان امروز به حق به صورت محل باور، هم برای دوستان و هم برای دشمنان درآمده است، و گزارشهایش در همه جا بعنوان اسنادی مطمئن مورد استفاده قرار می گیرند. در همین رابطه، خرج و زحمتی که رژیم آخوندی برای بازازت انداختن بر صدای کردستان متحمل می شود بی گمان نشانه آشکاری بر ترس رژیم از حقیقت گویی و افشاگری است. همه این ویژگیهایی که بدانها اشاره شد و بعضی ویژگیهای دیگر موجب شده اند که رادیو صدای کردستان ایران بعنوان ستون محکمی در جنبش انقلابی کردستان مایه افتخار و سرفرازی گردد، و در تار و پود مبارزات خلق کرد برای آزادی و دمکراسی صفحه زرینی بخویش اختصاص دهد. بخش عظیم این سرفرازی البته سهم گردانندگان و مسؤولان رادیو از کادر فنی، نویسندگان، گوینده، و پیشمرگان محافظ است که با کار عاشقانه و شبانه روزی خود صدای کردستان را بصورت این ستون محکمی که می بینیم در آورده اند.

دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران در جشن دهمین سالگرد تاسیس رادیو صدای کردستان ضمن سیاستگزاری از همه کسانی که در طول این ۱۰ سال به گونه ای در کار رادیو نقشی داشته اند تبریکات صمیمانه خود را به گردانندگان رادیو، به اعضا و هواداران حزب، و به همه شنوندگان بر احساس و وفادار تقدیم

جمهوری اسلامی و مسأله صلح با عراق

جنگ ایران و عراق به سبب
لحاح و ویژه جمهوری اسلامی که
خواستار ادامه جنگ تا سرنگونی
دولت کثونی عراق بوده نزدیک
به هشت سال طول کشید. این
جنگ که حدود یک میلیون کشته،
صدها هزار اسیر و مظلوم و صدها
میلیار دلار خسارت از خود
سرجای گذاشت سرانجام بدنبال
شکست شرم آور جمهوری اسلامی
در میدانهای جنگ و موافقت
اجباری آن با قطعنامه شماره ۵۹۸
شورای امنیت سازمان ملل
متحد در ۱۳۶۷/۵/۲۹ به آتش بس
انجامید و ظاهراً زمینه برای
تلاشهای سازمان ملل متحد جهت
برقراری صلح میان ایران و
عراق آماده گردید. به
همین منظور مذاکراتی بین
طرفین درگیر زیر نظارت
مستقیم دبیرکل سازمان ملل
متحد و نماینده های آن انجام
گرفت که در عمل پیشرفت
محسوس و چشمگیری بدنبال
نداشت و به بن بست کشیده شد.

اما در اردیبهشت ماه
سال جاری علیرغم فضای حاکم
بر روابط دو کشور با استکار
و پیشقدمی رئیس جمهوری
عراق کوششهایی برای خروج از
این بن بست به عمل آمد و
تاکنون حداقل دو نامه بین
رئیس جمهوری ایران و عراق
مبادله شده است. گرچه
مضمون و محتوای این نامه ها
هنوز کاملاً روشن نشده است،
با این حال قراینی حاکی
کاستن از حلات تبلیغاتی و
اظہار نظریات خوشبینانه
از هر دو طرف فضای تازه و
امیدوار کننده ای بر رونید
صلح حاکم گردانیده، تا حاشی
که احتمال دیدار سران دو
کشور مورد تایید طرفین قرار
گرفته است.
بدیهی است که قبول پیشنهاد
رئیس جمهوری عراق منتهی بر
مذاکره مستقیم با رئیس
جمهوری ایران از سوی رژیم
جمهوری اسلامی، در واقع گام

بزرگی در عدول از مواضع
گذشته و انحراف از خط امام
است. شکی نیست که این خروج
مذاکره مستقیم و دیدار با
رئیس جمهوری عراق را امری
غیر ممکن و خلاف اسلام
میدانست.
اما با توجه به
درماندگی همه جانبه رژیم
ایران غیر از این هم انتظاری
نیستوان داشت و بدون شک
رئیس جمهور عراق به هنگام
تصمیم گیری در مورد این
استکار خود این واقعیت را
بطور کامل در نظر داشته است
به عبارتی دیگر، عقب نشینی
آه و عذمهای حاکم بر ایران از
مواقف معروف به خط امامی
نه از حسن نیت بلکه صرفاً
از ضعف آنان سرچشمه میگردد.
همانگونه که قبول قطعنامه ۵۹۸
شورای امنیت و آتش بس
تیر به انحراف صریح خمینی
از حسن نیت جمهوری اسلامی
نبود، بلکه اتخاذ چنین
تصمیمی و اقدام به چنین
کاری از موضع ضعف کامل و
از سر ناچاری صورت گرفت.

چرا که اگر واقعاً جمهوری
اسلامی نسبت به اتمام جنگ و
قبول آتش بس حسن نیت لازم
را داشت قبل از آنکه فرستهای
تاریخی و شرایط کاملاً بهتری
را از دست بدهد اقدام به
چنین کاری میکرد.
ولیکن، سرانجام رابطه
بین دو کشور همسایه ایران و
عراق را چگونه میتوان

بقیه از صفحه قبل

میدارده. به امید آنکه همکاری و هم آوایی مردم بسا این
رادپو در آینده از این هم گرمتر و محکم تر گردد و بسا
امید به آنکه این صدای رسا سرانجام مژده آور بیست و روزی
شهایی در مبارزه مقدسمان باشد.

دفتر سیاسی
حزب دمکرات کردستان ایران
بیست و هشتم خردادماه
۱۳۶۹ شمسی

ارزیابی کرد!

در شرایط فعلی بعید به نظر می‌رسد که نه عراق و نه ایران بتوانند و یا بخواهند مجدداً جنگ را از سر بگیرند. اما بین این عدم تمایل به جنگ تا برقراری صلح پایدار فاصله بسیار است. زیرا که عوامل اختلاف بین دو کشور متعددند. علاوه بر اختلافات تاریخی، جنگ خونین هشت ساله و تفاوت‌های آشکار در ماهیت دو حاکمیت مسالسه، روابط بین دو کشور را با مشکلات پیچیده‌ای روبرو ساخته است.

سازش‌ترین این مشکلات اختلافی است که هر دو کشور بر سر مالکیت بر آبراه شط العرب (اروندرود) دارند. عراق با لغو یک جانبه قرارداد سال ۱۹۷۵ الجزایر و با استناد به سوابق تاریخی مدعی مالکیت بر آبراه مزبور در تمامیت آن است که این امر از سوی رؤسای کشورهای عرب در کنفرانس اخیر بغداد نیز یکبار دیگر مورد پشتیبانی قرار گرفته است. در واقع برای عراق تثبیت مالکیت کامل بر شط العرب تنها دستاورد هشت سال جنگ و رسیدن به بیروزی نسبی در این جنگ بشمار می‌آید. متقابلاً ایران طبق قرارداد سال ۱۹۷۵ الجزایر، مالکیت برنیمی از این آبراه را حق طبیعی خود و عدول از آن را غیر ممکن می‌داند. و این از

نقاط گرهی اختلاف میان ایران و عراق بشمار می‌رود. جدا از این مساله، اصلی مسائل دیگری نیز وجود دارد. مثلاً ایران هر نوع مذاکره‌ای را به تطبیق کامل قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد با رعایت تقدم و تأخر بندهای آن مشروط نموده است. در حالیکه عراق بادر نظر گرفتار ملاحظاتی که در رابطه با جمهوری اسلامی دارد برای اجرای بندهای قطعنامه مزبور اولویت‌های دیگری قابل استناد مدامی که این گره‌های کور بر سر راه صلح بین دو کشور وجود دارد، اگر هم نهادها و سازمانهای بین المللی و رای آنها سازمان ملل متحد بتوانند به نوعی توافق میان ایران و عراق دست یابند که البته موضوعی خوشحالی همه خواهد شد، باز هم نمیتوان ادعا کرد که هدف اصلی که برقراری صلح و امنیت کامل و پایدار در منطقه است تحقق یافته است. زیرا که دو مشکل اساسی بر سر راه تحقق این هدف هنوز باقی خواهند ماند. نخستین آن توسعه طلبی و آشوبگری ویژه‌ای است که از ماهیت رژیم جمهوری اسلامی ایران سرچشمه می‌گیرد. آخوندهای ایران، در هر حال هیچگاه انکار نکرده‌اند که هدف نهایی آنها تسلط بر جهان اسلام است و در این راه تحت نفوذ آوردن و فرمانروایی

بر کشورهای دارای جمعیت قابل توجه مسلمانان شیعه مذهب را نخستین گام می‌دانند. بنابراین کشوری چون عراق با جمعیت قابل توجه شیعه مذهب مضموماً از این نظر که محل بسیاری از اماکن مقدس شیعیان است بدون شک تا زمانی که جمهوری اسلامی در ایران بر سر کار باشد پیوسته در مرکز توطئه‌گریها و دست اندازیهای عظمت طلبانه، آخوندها باقی خواهد ماند. بویژه که آخوندهای حاکم بر ایران در جریان جنگ هشت ساله با عراق بخوبی نشان دادند که در جهت منافع و مصالح خود بسیار آسان با حکومتهایی چون اسرائیل سازش می‌کنند.

دومین مشکل بر سر راه برقراری صلح و آرامش پایدار در منطقه مسالسه کردستان است. زیرا که علاوه بر جنگ ایران و عراق، در ایران و درست در مرزهای بین ایران و عراق جنگ دیگری نیز در جریان است که عبارت از جنگ تحمیل شده از سوی جمهوری اسلامی بر خلق کرد در کردستان ایران است. جنگ با خلقی که خواهان دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان ایران است، خلقی که با وجود شیفتگی‌اش به صلح و امنیت مورد تهاجم نظامی رژیم جمهوری اسلامی واقع شده و بقیه در صفحه ۶

نظام آخوندی، یکسال بعد از خمینی

بقیه از صفحه اول

جهانی، مذاکرات ملح ایران و عراق و مساله بازسازی کشور لاینحل باقی مانده بودند. مرگ خمینی نیز مشکلات کار را گزاران رژیم را عمیق تر و پیچیده تر کرد.

مرگ خمینی از دو نظر هم از نظر مذهبی (ولایت فقیه) و هم به لحاظ سیاسی (خط امام) و وارثان او را با ظلم روبرو ساخت. برای حاصل مساله شخصیت آخوندها چنین عمل کردند، روزی که خبر مرگ خمینی اعلام شد مجلس خیرگان رژیم

که شماری از آخوندها در آن عضویت دارند، نشست فوق العاده ای برای تعیین رئیس فاشن خمینی تشکیل داد. نشست مزبور به انتخاب جوان خامنه ای به عنوان جانشین خمینی، رهبر جمهوری اسلامی با ۶۰ رای موافق از ۷۴ رای اعضای حاضر منتج گشت. بدین ترتیب خامنه ای یک شبه از حجت الاسلامی به مرتبه آیت الله ارتقا یافت و از ریاست جمهوری به رهبری نظام رسید. بلافاصله نیز اسمت حزب الله را جهت بیعت با نامبرده به مفکرده والعب

بقیه از صفحه قبیل

مجبور بدفاع مسلحانه از خویش و از خواستهای عادلانه خویش گشته است. حزب دمکرات کردستان ایران بمشابه رهبر جنبش خلق کرد در کردستان ایران از همان روزهای آغاز جنگ ایران و عراق موضع صریح و روشن خود را اعلام نمود و این جنگ را جنگی بیپوده و بی مورد و خلاف منافع خلقهای دو کشور ایران و عراق دانسته و از هرگونه گوشش در جهت پایان بخشیدن به آن حمایت نموده است. اکنون نیز با توجه به همیمن علاقمندی به برقراری صلح و آرامش کامل و بیاید از است که خود در اختیار به تکرار این حقیقت میداند که سازمانی

که مساله کردستان به طریق اصولی حل نگردد ملح و آرامش در منطقه برقرار نخواهد شد. نامه هایی که تاکنون از طرف حزب مادر این رابطه به دبیرکل سازمان ملل متحد و وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی نوشته شده است بیانگر جانبداری خلق کرد از ملح واقعی میان ایران و عراق و قدردانی از هر فعالیت و کوششی در این زمینه است. اما در همان حال تاکید کننده این حقیقت نیز هست که بدون حل مساله کردستان امری که هیچگاه جمهوری اسلامی بطور جدی بجا نبرد نکرده و بندگان نیاندیشیده است، ملحد ائمه

و عناوینی چون رهبر مسلمانان جهان ولی فقیه ولی امر مسلمین و... را به وی نسبت دادند.

انتخاب مزبور که حاصل تبانی خامنه ای و رفیقانش بر سر تقسیم پستهای مهم نظام و همراهی جمعیتی از آخوندهای سابق در نهادهای مختلف رژیم بود صدای اعتراض آیات عظام و مراجع تقلید را بلند کرد. خامنه ای ولی فقیه شده بود در حالی که ولی فقیه میباید از نظر مذهبی بالاترین مقام مذهبی را دارا باشد و هر چند نامبرده عنوان آیت الله را هم گرفته بود باز او در

در منطقه میر نخواهد شده حال اگر افکار عمومی و سازمانهای بین المللی و در رأس آنها سازمان ملل متحد در تلاشهای خود، دستیابی به صلح پایدار و عادلانه بدون تضییع حقوق خلقها را عقیب میکنند باید به این امر مهم توجه کافی میدول دارند و برای نیل به این هدف جمهوری اسلامی را تحت فشار بگذارند که به جنگ تحمیلی خود علیه خلق کرد در کردستان ایران خاتمه دهد و به خواستهای دمکراتیک و عادلانه خلق کرد گردن نهد، تنها در این صورت است که صلح به معنای واقعی خود به ایران باز خواهد گشت.

حاکمه خود نمایی می‌کنند . همانطور که مبدعیم در هیأت حاکمه رژیم آخوندی در جناح وجود دارند که با عناوینی چون "میانرو" و "تندر" از همدگر تشخیص داده میشوند جناح موسوم به "میانرو" که رفسنجانی سیمای سارز آن میباشد ظاهرا طرفدار عادی سازی روابط با کشورهای جهان و گسترش روابط اقتصادی با خارج و هرچه بیشتر میدان دادن به سرمایه‌های خصوصی است . جناح دیگر که محتشمی را میتوان از معروفترین چهره‌های آن دانست وانمود میکند که از صدور انقلاب به خارج ، اهمیت دادن به سرمایه بخش دولتی و خود داری از برقراری روابط با کشور های خارجی بویژه غرب پشتیبانی می‌کند . نشان دادن رفسنجانی بر کرسی ریاست جمهوری، راه ندادن شماری از وزرای طرفدار جناح موسوم به "تندر" به کابینه جدید و تعیین چند نفر از حامیان خط رفسنجانی به عضویت کابینه نو، بدین معنی بود که رژیم جهت پیشبرد مسائلی چون بازسازی کشور، پایان بخشیدن به انزوای خود و بطور خلاصه بمنظور بهبود بخشیدن به اوضاع در مقایسه با دوران خمینی، خواهان میدان دادن بیشتر به جناح به اصطلاح "میانرو" می‌باشند . لیکن جناح دیگر که هم در

ندارند و یا مخالف شرکت در کارهای سیاسی و امور حکومت اند . خلاصه انتخاب خامنه‌ای بعنوان رهبر نظام و جانشین خمینی به سرچشمه جدید اختلافات میان آخوندها و علت اصلی طغیانها و ناآرامیها و تظاهرات مدعیان آن که سال گذشته در بعضی از شهرها بوقوع پیوسته تبدیل گشت . البته مسائلی که مزبور همچنان بمثابة خمیر مایه اختلافات آن کارگزاران رژیم باقی خواهد ماند .

این، طریقه حل مسائلی رهبری نظام و ولایت فقیه از سوی آخوندها بود ، که بهنگام مرگ خمینی عملا لاینحل مانده بود . امسال بیستم کار مساله دوم یعنی مساله "خط امام" و خط مشی سیاسی نظام به کجا کشانده شده است .

خمینی تنها کشوری ویران و مجموعه ای از مشکلات بزرگ اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و... را برای میرانشواران خود باقی نگذاشت ، مسرات دیگر خمینی که چون زنجیری بر دست و پای رهبران نظام سنگینی می‌کند و آنان را سر درگم کرده است ، دیدگاهها و افکاری است که مجموعا به خط امام شهرت پیدا کرده اند . اثرات و عوارض چنین نقطه نظرها و تفکراتی بر وضع کنونی رژیم با توجه به ضعف خامنه‌ای در رهبری، در وجود دو جناح مشخص در هیأت

سلسله مراتب مذهبی در سطح پایینی قرار داشت و قادر نبود جای خالی خمینی را که هم آن الله العظمی بود و هم سرچشمه تقلید، پر کند . از اسرار داشته از گلیاگانی و مرعشی نجفی و سپس در سطحی پایینتر منتظری ، شماری دیگر از آیات الله العظمی‌ها به انتخاب مزبور اعتراض کردند . رهبران رژیم بناچار رهبریت نظام و مرجعیت را از هم تفکیک کرده و برای حذف ضرورت مرجعیت در رهبری ، به نقل از خمینی، دروغی سرهمبندی کردند و گفتند امام هنگامیکه در قید حیات بود اظهار داشته که رهبر نظام میتواند مرجع تقلید نباشد . بدین ترتیب "ولی فقیه" خوانده جدید به "ولی امر مسلمین" ملقب شد . سپس برای آنکه رهبر نظام از حمایت مرجع تقلید برخوردار باشد اراکی یکی از مهره‌های دست نشانده خود را مرجع تقلید خواندند و وی را در مقابل آیت عظام علم کردند . رفسنجانی جهت توجه بیشتر مساله گماردن خامنه‌ای به جانشینی خمینی گفت سخما از امام شنیده است که خامنه‌ای برای رهبری نظام مناسبترین فرد میباشد . همچنین نامبرده در مراسم نماز جمعه روز ۱۹/۲/۱۶۸ اظهار داشت : آنهاست که مرجع تقلیدند با آگاهی سیاسی

یادآوری سخنان خمینی که گفته

بود روابط امریکا با ملت ایران
دیگر رابطه گرگ و میش است ،
گناهی ناشناخته‌بودنی و امری
مستعی نمرود .

آنچه در این میان شایان
توجه می‌باشد نقش و موقعیت
خامنه ای است . وظیفه
خامنه ای همانند خمینی فقط
تعادل است . لیکن از آنجا
که خامنه ای از عهده چنین
امری بر نمی‌آید و قادر نیست
نقش خمینی را ایفا نماید
مورد تمحیر واقع شده است .

خامنه ای اگر شایستگی خمینی
را دارا می‌بود می‌توانست
همانند وی بی‌المانه ۱۸۰درجه
تغییر موضع دهد یا از چهار-
چوبها و معیارها و نقطه
نظرهای خمینی عدول کند و
بدین ترتیب قضیه را خاتمه
بخشد ، اما نامبرده در حالت

عادی حامی و پشتیبان
رفسنجانی می‌باشد و بعضی آنکه
علیه رفسنجانی و اقداماتی
«بهاهو سر پا کردد» و «خط امام»
به محاطره می‌فتد ، ناچار
مواضع افراطی و تندروانه
در پیش می‌گیرد .
پیام برائت از مشرکیسم در
رابطه با حج و عربستان
سوودی ، رد مذاکره با
امریکا و تاکید محدودیت
فرمان قتل سلمان رشدی ،

و در اینجا لازم می‌بینیم
این نکته را یادآوری کنیم که تا
نظام مزبور دارای رهبری
بردرگم و ناکارآیی حاکمان
نظام است .

مجلس و هم در دگر نهادها
حضور قابل توجهی دارد . در
برابر اقدامات و برنامه‌های
جنایی که دولت را در دست
گرفته تا جایی که می‌توانند
کارشکنی می‌کنند . و از آنجا
که هواداران این جناح حدود
را حاسی بیرویا قرص نظرات
و دیدگاه‌های خمینی می‌خوانند
و در داخل و خارج از کشور
نیز خود را خط امامی

و پرچمدار «اسلام ناب مومنی و
هوادار سیاستهای رادیکالی
معرفی کرده اند ، رفسنجانی
و دارو دست اش قادر نیستند
سأسانی آنان را وادار به
عقب نشینی نمایند . اینست
به ذکر چند نمونه
از خنثی سازی اقدامات
دولت توسط جناح مزبور
مورد ازم :

رئیس جمهور رژیم بخاطر
جلب رضایت و همکاری کشورهای
غربی اعلام داشت حکم قتل
سلمان رشدی نظر یک فقیه و
کارشناس اسلام می‌باشد ،
یعنی فرمان قتل نامبرده نظر
دولت نیست . همچنین
مهاجرانی معاصر وی طی یک
اظهار نظر ضرورت
گفتگوهای مستقیم بین دولت
متبوع خود و امریکا را خاطر-
نشان ساخت ، اما جناح دیگر
فورا به نظرات مزبور تاخته
و در مورد رشدی فرمان امام
را واجب الاجرا و سرگشت
خواندند و مساله مذاکرات

هر آخوندی نقطه نظرات
و خط امام را میل خمین بود
تفسیر و تفسیر کند ، اختلافات
و نظ و نشان کشیدند ،
جناحهای رژیم برای همدیگر
همچنان ادامه خواهد یافت
و مشکلات اصلی و اساسی رژیم
بجای خود باقی می‌مانند .
اما این به هیچ وجه سندان
معنا نیست که یکی از
جناحهای مذکور بر دیگری
برتری داشته و از نظر ماهوی
دارای تفاوت می‌باشد . اختلاف
دو جناح یاد شده بر سر
حاکمیت و قدرت بوده و کوشش
در مسائل اصلی برای تعادل
دیکتاتوری مذهبی و حکومت
آخوندی و هدایت ورزیدن با
حقوق و آزادیهای انسانی
هموطنان ، هر دو جناح
هم عقیده اند . آنها مشترکاً
حافظ نظام آخوندی بوده و در
برابر مبارزات حق طلبانه
ظلمهای ایران ، متفقند . از
همین رو انتظار هرگونه
تغییر و تحولی از این رژیم
در راستای منافع ظلمهای
ایران ، انتظاری بیپوده و
بیحاجت . این رژیم قدر
نیست ماهیت اصلی خود را که
دیکتاتوری ، رجسیت و ضد
ظلمی بودن از خصوصیات آن
می‌باشد به کنار نگذارد .



کنفرانس سران امریکا و شوروی

قیه از صفحه اول

رفت . تصمیم به سفر
گورباچف برای شرکت در
کنفرانس سران امریکا و
شوروی از مدتها پیش گرفته
شده بود. وزیر امور خارجه
دو کشور چندین بار برای
تدارک این کنفرانس و
ترتیب دادن برنامه کار آن
و فرسوله کردن موافقتنامه
هایی که میبایست به امضا
بسیار شدند، با هم به مشورت
پرداخته و مقدمات لازم را
برای این دیدار مهم فراهم
آورده بودند.

جرج بوش و میخائیل
گورباچف در پایتخت آمریکا
دو روز به کار گفتگوی رسمی
و امضای موافقتنامه‌های
مانی شده مشغول گردیدند و
دو روز بعدی دیدارهای خود
را به منظور استراحت و
گفتگوهای غیررسمی در
کمپ دیوید استراحتگاه
تابستانی رئیس جمهور
آمریکا به سربردند. اگرچه،
شبه مذاکرات کمپ دیوید
هنوز علمی نشده است. اما
اینحال ناظران سیاسی این
مذاکرات را مهمترین بخش از
کارهای کنفرانس اخیر امریکا
و شوروی دانسته اند.
شورویکه منابع نزدیک به

کنفرانس اطلاع داده اند ،
میخائیل گورباچف رئیس
جمهور شوروی و جرج بوش
رئیس جمهور آمریکا در دیدار
اخیر خود موافقتنامه‌هایی
را درباره کاهش سلاحهای
شیمیایی و اتمی به امضا
رسانیده اند و با حسن نیت و
قاطعیت در جهت تقلیل
اختلافات و ایجاد فضایی
سالم در روابط بین المللی
گام بردارند.

هم جرج بوش و
میخائیل گورباچف ضمن اذعان به
این واقعیت که در بسیاری از
مسائل هنوز بین آنها
اختلاف عقیده زیادی وجود
دارد، از روند مذاکرات و
نتایج کنفرانس بسیار
رضایت کامل کردند. آنها
اعلام داشتند که دوران جنگ
سرد سر آمده و دو قدرت
بزرگ جهانی بمنظور وارد شدن
به دورانی نوین و پایه ریزی
یک زندگی بی دغدغه برای
ساکنان کره خاکی در حال
تلاش اند .

در کنفرانس اخیر سران
امریکا و شوروی مسائل
سازاری مطرح شده و مورد
گفتگو قرار گرفته که افکار
عمومی جهانی از بخش از این
مسائل اطلاع حاصل کرده است.
مهمترین این مسائل عبارت
بودند از مساله اتحاد دو
آلمان و عضویت یا عدم
عضویت آلمان متحد در پیمان
آتلانتیک شمالی (ناتو) ،
مساله استقلال لتوانی و

شوروی کلی جمهوریهای شوروی
در ساحل دریای بالتیک و
مساله سلاحهای استراتژیکی .
از دیگر مسائلی که در این
کنفرانس مطرح و علمی
شده اند میتوان از : مساله
ناور میانه و اختلاف اعراب و
اسرائیل ، مهاجرت یهودیان
شوروی به فلسطین ، اختلافات
هند و پاکستان ، منگول
افغانستان ، کامبوج ، کوبا
نیکاراگوا و ... نام برد .

طبق اظهارات گورباچف و
بوش ، در مورد بسیاری از این
مسائل اختلاف عقیده میان
امریکا و شوروی کم نیست .
بویژه در مورد عضویت آلمان
متحد در پیمان ناتو این
اختلاف چشمگیر است . اما
اینحال دو طرف بر این امر
تاکید ورزیده اند که اینگونه
اختلافات به گسست مذاکرات
دو کشور منجر نخواهد شد و
حسن نیت و اراده مشترک دو طرف
برای حل مشکلات جهانی
میتواند بسیاری از این
مشکلات را رفع نماید .

کنفرانس سران دو قدرت
بزرگ جهانی توجه افکار
عمومی در همه کشورها را به
سوی خود جلب کرد و رویدادی
بیراهمت تلقی گردید. زیرا
تأثیر دولتهای بزرگ بویژه
امریکا و شوروی بر روند
رخدادها مخصوصا دو مساله
مهم جنگ و صلح در جهان
بسیار زیاد است . اگرچه
مشکلات هرکشوری را باید در

داخل آن کشور و با دست است ساکنان آن حل و فصل کرد ، اما تردیدی وجود ندارد که نظر موافق و با مخالف این قدرتها برگزیده این مسائل ناشی میگذارد.

پرسش جهانی که در اینجا باید مطرح نمود است که چگونه است در این کنفرانس و در کنفرانسهای قبلی سازمان آمریکا و شوروی هیچگاه مسئله کرد بعنوان مسئله یک ملت ۲۵ میلیونی که برخلاف اراده خویش سرزمینش تقسیم شده و حق تعیین سرنوشت از آن سلب گردیده است به میان کشیده نمیشود؟ چگونه است رئیس جمهور آمریکا که خود و کشورش را پرچمدار حقوق بشر و دفاع از حقوق انسانی میسمارد حتی برای یکبار هم از حقوق دهها میلیون کرد دم نمیزند و نه در کنفرانس سازمان و نه در هیچ مسأله دیگری از آن دفاع بعمل نمیآورد. و نیز چگونه است مذاکلیل گورباچف بعنوان نجات دهنده جامعه شوروی از دیکتاتوری آمریکا و متحرک گلاستون و پریشرویکا ، در همسایگی کشورش دهها میلیون انسان محروم از هرگونه حقوق انسانی را نادیده میگیرد و آنجا که سرنوشته همه خلقها و اقوام را مورد بحث و گفتگو قرار میدهد فرمت چند دقیقه بحث در مورد مسئله

کرد و حقوق ناممال شده خلق کرد را بدست نمیآورد؟ از جمله مسائلی که در کنفرانس اخیر آمریکا و شوروی مورد بحث قرار گرفته اند یکی مسأله فلسطین جهانی ، بویژه فلسطین خاورمیانه است ، ضرورتی به تکرار مجدد نمیبینم که حزب ما و خلق ما از هر اقدامی در جهت تثبیت فلسطین در هر نقطه ای از دنیا حمایت میکنند. این مسئله نیز بخشی از مسأله شناخته شده حزب ما است که دفاع از حقوق انسان و مظلومان دفاع از حقوق آنها را که حقوق و آزادیهایشان از سوی زورمدان پایمال شده است در نظر از اینکه کجا و از سوی چه کسانی باشد ، امری مقدس و اقدامی انسانی تلقی میکنند. اما در عین حال با مراعات کانسسل باید اذعان کرد بعضی کثیری از اظهاراتی که در مورد حقوق انسان و دفاع از صلح و آشتی اینجا و آنجا از سوی سران قدرتهای بزرگ عده ان میشود ، همچون یک عامل فشار بر برخی از کشورها تا قی میگردند و دستاور و اداری کردن آنان میباشد. پیروی از سیاستهای انسانی قدرتها از زبان آنها جاری میشود. اگر چنین سیاست چگونه است در مورد مسأله حقوق انسانی چندین میلیون انسان کرد و مسأله جنگی که

دهها و صدها سال است به طغی محروم و حق طلبی تحصیل گشته است ، در میانار مخالف و مجامع بین المللی از سوی این قدرتهای بزرگ صحنی بزمیان میآید؟

خلق کرد نمیتوانند شایع عین خود را از اینمین موضع بر شایع ایران نمایند در حالیکه مثلاً ایران بخاطر صدور حکم قتل سلمان رشیدی از سوی اکثریت کشورهای جهان دهها بار محکوم شناخته شده است ، همین حکومت را هیچ يك از این دولتها بجهت سب قتل و کشتار هزاران انسان بی گناه کرد مسؤرد عتاب قرار نداده است. خلق ما چگونه نهایت تأثر خویش را از این واقعیت تاج ایران نمیدارد در حالیکه رژیم آخوندی خاطر گروگان گرفتن چند انگلیسی تحت فشار و تحریم قرار میگیرد ، برای درز جیر نگهداشتن چندین میلیون کرد از سوی این رژیم کسی هم به امر نمیآورد.

ما بارها و به مناسبات گوناگون اعلام داشته ایم که زمانی که برای مسأله کرد در خا ورمناح راه حل عادلانه ای پیدا نشود ، برقراری صلح و امنیت کامل در منطقه امکان پذیر نخواهد بود. مسأله کرد - خواه قدرتهای بزرگ آن را بپذیرند و بکنان آن را نادیده گیرند یکی از مسائل مهم دنیای امروز است. خلق بقیه در صفحه ۱۲

اطلاعیه دفتر سیاسی بناسیت
زلزله در استانهای شمال کشور

تا و موج جدیدی از اندوه و ماتم
خلفهها و تودههای مردم کشورمان
به افکند. ساعت ۲۱ دقیقه
روز مذکور زلزله نندیدی بخش
می از شهرها و روستاهای
تانهای کیلان و زنجان را تکان
و موجب بیار آمدن تلفات
کین جانی و خسارات هنگفت
ی گشت. این زلزله مناطق دیگری
حمله شهرهای تهران، همدان،
مانشاه، سنندج، مهاباد،
دبیل و خلخال را نیز تکان
ده است که بر اساس گزارشات
یده خوشبختانه در این مناطق
ارائی بدنیا نداشت است.
بیم آن می رود در جریان این
له که در برخی نقاط یک دقیقه
بول انجامیده است، که دهها
ار نفر از هم میهنانمان جانشان
از دست داده، دهها هزار نفر
یکر زخمی شده و دهها هزار نفر
ز خانه و کاشانه خود را از دست
اده باشند.

این زلزله برای خلفهها و تودههای
م کشورمان و کلیه کسانی که قلبان
رای انسان و حیات انسانی می تپد
جهدای سهنات و مصیبتی بزرگ
مار می رود. بهمین جهت حزب
مکرات کردستان ایران ضمن ابراز
شر و تاسف فراوان از وقوع این رویداد
بانگ از بنام خلق کرد در کردستان
بران مراتب تسلیت خود را ب
لقهای ایران و بویژه بازماندگان
خانوادههای قربانیان این رویداد
قدیم میدارد و خود را در این زخم بزرگ
انده سنگین سهم میداند. حزب ما

امیدوار است کصروحین و صدومین این
حادثه هرچهزودتر شفا یابد و سلامتی
خود را باز یابد و به زندگی عادی
خود باز گردند. در همان حال از کلیه
هم میهنان بطور عموم و مردم کردستان
بویژه می خواهد که از هیچگونه ابراز
همدردی و کمک رسانی به مصیبت
زدگان این رویداد دریغ نورزند.
حزب ما همچنین از کلیه مجامع
و سازمانهای بشردوست و کشورهای
جهان می خواهد بدون در نظر گرفتن
ماهیت و مواضع آشنگرانسه و غیره
مسئولانه رژیم اخوندی بسیاری صدومین
و مردم مصیبت دیده شهرها و روستا
های دو استان کیلان و زنجان بشنابند
و در این رابطه حساب خلفهها و تودههای
مردم تحت ستم ایران را از حساب رژیم
سرکوبگر، دیکتاتور و ضد خلقی
آخوندی جدا نمایند.

مستانه حزب مکرات کردستان
ایران بدلیل شرایطویژه ای که منجبت تحمیل
شده از سوی رژیم جمهوری اسلامی
بر خلق کرد در کردستان ایران
برایش بوجود آورده است، این امکان
را ندارد تا مستقیما امر کمک رسانی
به مصیبت دیدگان این فاجعه را در
کردستان سازمان دهد لیکن اطمینان
دارد که مردم کردستان به وظیفه
میهنی و انساندوستانه خود نیست
آگاهند و در این زمینه از هیچ گونه
عیاری و کمکی دریغ نخواهند ورزید.
بویژه که می دانند رژیم آخوندی حتی
در اینگونه مواقع نیز غیر از سر دادن
تسارهای بی محتوا و عوامفریبانه هیچ
اقدامی جدی و عملگردی که پاسخگوی
احتیاجات ابتدایی مردم و مصیبت
زدگان باشد از خود نشان نخواهد

داد. برعکس خواهد کوشید از این
مصیبت نیز بفتح خود سو استفاده
نماید. یازده سال حاکمیت اخوندی
نشان داده است آنچه که در ن
رژیم بی ارزش است جان و زندگی
انسانها و آنچه که اساسا برای
اهمیتی ندارد عمران و آبادانی
کشور است. در این رابطه لازم
میداند از سازمانهای بشردوست
و مجامع و محافل بین المللی بخواهد
که کمکهای خود را از طریق صلیب
سرخ و نمایندگان سازمان ملل متحد
و تحت نظارت آنها به کشورمان ارسال
دارند تا هموظیفه بشردوستانه خود
را بانجام رسانده باشند و هم
سواستفاده رژیم جمهوری اسلامی از
این کمکها و همیاریها مانعت بعمل
آورده باشند.

حزب مکرات کردستان ایران
یکبار دیگر ضمن ابراز همدردی با
تودههای مردم کشور و خانوادههای
قربانیان و مصیبت زدگان این حادثه،
مراتب اندوه و تاسف فراوان خود را
از وقوع این رویداد جانگداز اعلام
میدارد و در همان حال امیدوار است
که در سایه کمک و تلاش و همست
تودههای مردم کشور و مجامع
و سازمانهای بشردوست سراسر جهان،
بخشی از خسارتهای وارده س
هم میهنان مصیبت زده مان جبران
و با شغای مجرومین و صدومین بخشی
از این زخم بزرگ التیام و از غم
و اندویشان کاسته گردد.

دفتر سیاسی

حزب مکرات کردستان ایران

۳۱ خرداد ماه ۱۳۶۹ شمسی

کوچ دسته جمعی یهودیان به فلسطین

بقیه از صفحه اول

اقامت، حق بدون خون و جرایم هر یک از اعضای جامعه بحساب می آید. مدبران کنونی کشورهای سوسیالیستی بهتر از هر زمانه این حقیقت را نشان داده است که بدون رعایت حقوق و آزادیهای بشری، شرف و ترقی معنایی نخواهد داشت. نظری به وضع آن کشورها، این حقیقت را روشن می کند که نقض آزادی سفر و اقامت، گذشته از اینکه با اصول مقدماتی حقوق بشر سازگار است، عملاً هم مشکلات عدیدتی

دارد که رفع آنها کار آسانی نیست. بنابراین آزادگذاشتن یهودیان شوروی برای سفر و مهاجرت به کشورهای دیگر اقدامی است اصولی که در آن جای بحث و مناقشه نیست. اما آنجه که مورد بحث است تلاش است که صهیونیزم یا هموازی اسرائیلسم به منظور سوء استفاده از این روند آغاز کرده است. اسرائیل همه تواناییهای تبلیغاتی، مالی و دیپلماتی خود را به کار گرفته تا مسیر حرکت مهاجرت یهودیان شوروی

تواند پس از این مساله کرد را بدست فراموشی سپارند. آنچه که گفته شد به این معنی نیست که مخالفین اقداماتی هستیم که در جهت تلبس حقوق بشر و بحفاظت از حاکمیت ملی و امنیتی و دگرایی در جهان و برای پایان دادن به آدم ریایی و گروگان گیری بعمل می آید. سیاست حزب دگرایی در برنامه تمامی این مسائل روشنتر و آشکارتر از آن است که کسی بوسیده مانده باشد. آنچه که ما را رنج میدهد و اعتراض ما را برمی انگیزاند تا بعضی است که در مورد ملیت کرد اعمال میگردد.

بقیه از صفحه ۱۰

کرد امروز به درجه ای از رشد و بلوغ سیاسی دست یافته است که در راه رفع ستم از خود به هر نوع فداکاری ای تمایل میدهد و بجای آزادی خویشی را هر اندازه هم سنگین باشد برداختن و واحد گمراهی را بخاطر این آنهاست که خود را و کدل مدافع خلقها، دولتها و کشورهای خلقی میکنند و در برابر خلق جهانی، دگرایی و حقوق بشر بر دوش میکشند. مسئولیت احسان میماند، اگر در ادعاهایمان نشانده ای از صداقت و درستکاری وجود داشته باشد، نمیتوانستیم و

و کشورهای دیگر اروپای شرقی راه سوی فلسطین سوق دهد. آمریکا هم که همیشه سنگ دفاع از آزادی سفر و مهاجرت بطور کلی و سوسیالیزم آزادی سفر و مهاجرت یهودیان شوروی را به سینه زده است، در شرایط کنونی قید و بندهای مختلف برای پیش کشیده تا از مهاجرت یهودیان به کشور خودمانعت به عمل آورد و عملاً دروازه های خود را به روی بخش اعظم یهودیانی که میخواهند به آنجا سفر کنند بسته است. البته کشورهای دیگر اروپای غربی هم به بیروی از آمریکا تا حدود زیادی همین موضع را اتخاذ کرده اند. این اقدام

اگر قدرتهای بزرگ و محاسبات با نفوذ سیاسی مانده است نخواهد بدون شرق و تفاوت از حق و عدالت و حقوق انسانی دفاع نماید. البته ستم از گوش خود بدر آورند و به ستم ظلمت زبردستی از حمله طبق محسوس و ستم دیده کرد توجه ننمایند و تجربه آشکار است که این شعارهای برزق و برق بیشتر به منظور فریب افکار عمومی و با بحاطر برنی هدفهای نامشروع دگر برداده میشود. مگر اینکه قبول کنیم در تمامی کنونی دو نوع حقوق بشر و یا حقوق دو نوع انسان وجود دارد.



بستی را موجب کرده که
 با هزار یهودی از اتحاد
 روی سوی اسرائیل گسوح
 شده. دولت اسرائیل هم
 بول اسکان دادن حتی از
 یهودیان مهاجر در اراضی
 مالی فلسطین میماند.
 همچنانکه اشاره شد آمریکا
 این رابطه متحد دولت
 رایشل است و اگر در ظاهر
 کان یهودیان مهاجر در
 اسی اشغالی را محکوم
 کند، در عمل کمکهای مالی
 دیده اسرائیل را افزایش
 اده و در اجلاس شورای
 نیت سازمان ملل متحد در
 ایطه با مهاجرت یهودیان از
 واقع تلاشی حمایت کرده
 در این سازمان از نفوذ و
 امکانات خود علیه منافع خلق
 فلسطین استفاده نموده است.
 بدیهی است مواضع برخی از
 کشورهای عربی و عدم اظهار
 ناراضی بیکپارگی آنان در
 برابر آمریکا در این مساله
 هم مانند بسیاری دیگر از
 مسایل، از عواملی بوده که
 آمریکا رایه حمایت از مواضع
 سرخخانه اسرائیل ترغیب
 کرده است. سازمان اسکان
 آزاد فلسطین مدتی پیش
 پیشنهاد کرده بود که یک
 نشست عمومی و ویژه «حامیه»
 عرب با شرکت همه کشورهای
 عربی برای بحث براساس
 اسکان یهودیان در سرزمینهای

رهبران کشورهای عربی)
 سرانجام روز هفتم خردادماه
 امسال در بغداد مایشخص
 جمهوری عراق برگزار گردید.
 همانکه پیشبینی میشد، در
 جریان کار کنفرانس مطبوع
 شد که کشورهای عرب نسبت به
 حکومتی اعتراض به اسبهای
 آمریکا، در ارتباط با
 پشتیبانی آن دولت از اسرائیل
 موضع مشترکی نداشته و بعضی
 از آنها در این رابطه حتی
 دچار شک و تردید بودند.
 با وجود این کنفرانس در
 پایان کار خود بیانیه ای
 انتشار داد که در آن از مواضع
 آمریکا نسبت به مهاجر عرب
 دسته جمعی یهودیان و اسکان
 آنان در سرزمینهای
 اشغالی فلسطین انتقاد شده
 و در عین حال مهاجرت دسته
 جمعی یهودیان به فلسطین را
 بعنايه تهدیدی علیه امنیت
 کشورهای عربی قلمداد نموده و
 محکوم ساخته است. کنفرانس
 ضمن اینکه از سازمان ملل
 سنجد خواسته است تا کمیسیونی
 را مامور رسیدگی به اسر
 مهاجرت یهودیان و اسکان آنها
 در سرزمینهای فلسطین بنماید
 شوصیه کرده است کشورهای
 عربی کمکهای بیشتری بجه
 مبارزه خلق فلسطین کرده و از
 آن پشتیبانی بیشتری بعمل
 آورند.
 اگر چه اتحاد بین
 موضعی از سوی کشورهای عربی

که در عمل فشار خنداشی به
 آمریکا و اسرائیل وارد
 نمی آورده زیرا همانگونه که
 اشارت رفت بعضی از
 کشورهای عربی آمادگی بیک
 رویارویی با اسرائیل و
 طبیعی با آمریکا را ندارند
 و اگر هم در این رابطه در
 کنفرانس بغداد همکاری را
 پذیرفته اند، از روی ناچار
 و علیرغم میل خودشان بوده
 است. در حین اوضاع و
 احوالی هرگاه اسرائیل
 سیاستهای خود مبنی بر ادامه
 اسکان یهودیان در سرزمینهای
 اشغالی را ادامه دهد و حتی
 آن را تشدید هم بنماید، امر
 غیره متذکره ای نمیباشد.
 در این میان نقش رژیم
 آخوندی که خود را سخنگوی
 مسلمانان جهان و صاحب اصلی
 مساله فلسطین و مشکل
 بیت المقدس شمار می آورد،
 جالب توجه است. اگر از
 هياهو تبلیغاتی جهت اغفال
 افکار عمومی بگذریم، رژیم
 آخوندی در ایران نه تنها
 اقدامی جهت تحت فشار گذاشتن
 اسرائیل بعمل نیآورده بلکه
 عملا اسرائیل را بیشتر تشویق
 نموده تا بر امر اسکان
 یهودیان در فلسطین تاکید
 ورزد. زیرا ایران آخوندی
 از سوی سخن قابل توجهی
 از امکانات سیاسی و تبلیغاتی
 و مالی خود را صرف تضييف
 سازمان آزادیبخش فلسطین و



صفوف جنس فلسطین کرده و از سوی دیگر کماکان اسلحه و پول به لبنان سرازیر می‌کنند. مردم آن کشور را در برابری یکدیگر قرار می‌دهد و بدین ترتیب در طوگر، از تبدیل لبنان به پایگاهی مستحکم در برابر اسرائیل نفس خود را ایفا می‌کند. افزون بر اینها اینک آشکار گردیده که آخوندها با وساطت و دلالی دولت اریش با مقامات اسرائیل به توافقی دست یافته‌اند که بر طبق آن هزاران یهودی اسرائیلی را از طریق اتریش به فلسطین روانه کرده‌اند. در این او احرر رژیم آخوندی برای پنهان کردن سمای گریه خود و ظاهرآ برای پشیمانی از خلق فلسطین، در مجلس مسائلی را مطرح کرده است، که با توجه به مواضعی که رژیم آخوندی تاکنون در قبال مسائلی فلسطین و جنس آن اتخاذ کرده است مسلم می‌گردد آنچه که در این رابطه در محلیس آخوندی به تصویب رسیده، بیشتر حالت شعار دارد تا عمل. این شعارها از قماش همان شعارهایی هستند که ده سال است آخوندها بر علیه اسرائیل و آمریکا سر می‌دهند که در عمل جز زبان رساندن بیخه خلقهای ایران و خلق فلسطین و مسلمانان جهان سودی در بر نداشته‌اند.

بدین ترتیب امروز مهاجرت

دسته‌جمعی یهودیان به فلسطین و اسکان آنان در اراضی تحت اشغال اسرائیل امنیت منطقه را خاورمانه را مورد تهدید قرار می‌دهد. زیرا مهاجرت یهودیان به فلسطین کارگزاران اسرائیل را به تعقیب سیاست تشکیل "اسرائیل بزرگ" و تاکید بر مواضع گذشته خود جری تر می‌کند. این امر در این حال موجب زیر پا گذاشتن حقوق مسلم آوارگان فلسطین در بازگشت به سرزمین آب و آواختادی خودشان است. افزون بر اینها این اقدام تجاوز تازه‌ای به حق حاکمیت خلق فلسطین بشمار می‌آید. و افق تلاشهایی را که اینک جهت حل مساله اعراب و اسرائیل از طرق مسالمت جویانه در جریان است، تاریک و کدر می‌نماید.

ما بر این باوریم که راه پیشگیری از اسکان یهودیان مهاجر در سرزمینهای اشغال شده فلسطین و عقب گذاشتن توطئه‌های صهیونیزم عبارت است از اینکه: از سوی اتحاد شوروی و کشورهای دیگر آزادی مهاجرت یهودیان به اسرائیل را به عدم اسکان آنان در اراضی اشغالی مشروط نمایند تا اسرائیل نتواند از این مساله به نفع سیاست اشغالگرانه و تجاوزکارانه خود و به زبان خلق فلسطین استفاده کند. زیرا حق آزادی سفر و مهاجرت یهودیان تا زمانی مشروع است که به زبان و سر علیه خلق دیگری صورت

نگرد و حقوق و آزادی‌های دیگران را نقض نکند. از سوی دیگر بر جهان عرب و ممالک اسلامی لازم است تا در سازمان ملل متحد و دیگر محافل بین‌المللی هر چه بیشتر از حقوق عادلانه خلق فلسطین دفاع کنند و سیاستهای اسرائیل را افشا نموده و بر آمریکا فشار وارد آورند تا مواضع خود را در قبال مساله فلسطین تغییر دهد. در همان حال ضروری است افکار عمومی جهان و مراجع و محافل ملج طلب، دمکرات و بشر دوست کشورهای اروپایی را تحت فشار قرار دهند تا از آن طرف قدم‌نهایی را که برای مهاجرت یهودیان به کشورهای خود بوجود آورده‌اند از میان بردارند و از دیگر سو دولت اسرائیل را از اسکان یهودیان مهاجر در اراضی اشغالی بر حذر دارند.

جز دمکرات گردنندگان ایران، بعنوان حامی و پشتیبان درین قضیه، آزادیبخش فلسطین، در عین حال که توطئه‌های اسرائیل را در قبال خلق فلسطین منکوم می‌نماید، بار دیگر پشتیبانی بدون جون و حرای خود را از مبارزه عادلانه خلق فلسطین برای بازستاندن سرزمینهای اشغالی و حق تعیین سرنوشت این خلق مبارز اعلام می‌دارد.

جدال کهنه و نو

ساد یعنی جدال و کشمکش کهنه و نو ، جدالی دایمی ، در این جدال عنصر کهنه راهد حتی الامکان تغییر می یابد و وضع موجود پدید می آید و وضع بهمان صورت که باقی بماند، در حالیکه در تلاش است تا جهان را در بری تازه سوق دهد و بی ثباتی بنیادی در آن پدید آید. آنچه که علم به ما آموزد و تجربه تاریخی جامع بشری نشان می دهد ، نیست که نتیجه و سرانجام این جدال و رقابت به نفع عنصر نو خاتمه پیدا می کند و کهنه ناچار به عقب نشینی می شود . خود عنصر نو نیز که اینک بر کهنه پیروز گشته است ، بتدریج و در طول زمان در برابر رقبت دیگری قرار می گیرد که نسبت به آن نو تر و تازه تر میدان آمده تر است و در نتیجه آنکه قیلا نو بود این بار به صفا کهنه راه می یابد و نو دیگری جای آن را می گیرد، این روند همیشه و در هر شرایطی برقرار است . منتهی حکومتی و سرعت پیروزی نو بر کهنه همیشه یکسان نیست و بستگی به عوامل گوناگون دارد . اگر رشد و ترقی روز بروز جامعه بشری را در زمینه های

که این اصل تا چه اندازه در میان جامعه انسانی صحت و حقانیت خود را به ثبوت رسانده است . سیر تغییرات و ترقیات جامعه از دورانیهای ماقبل تاریخ تا عصر کنونی نشان می دهد که این تغییرات تکاملی به حد میزانی صورت گرفته و اندیشه ها و تفکرات مترقی چگونه بر افکار کهنه و عقب مانده پیروز گشته اند . در شرایط کنونی دنیا ، کشاکش بین افکار و ایدئولوژیهای متضاد اول را می توان در نبرد بین ارتجاع و کهنه اندیشی از يك سو و ترقی خواهی و نو اندیشی از سوی دیگر به روشنی مشاهده نمود . روش است که در این نبرد ، آرمان آزادی خواهی و دمکراسی عناصری نو هستند که در صدند بر کهنه غلبه یابند . آزادی به معنای يك حق مقدس انسانی و دمکراسی به منزله يك نوع سیستم حکومتی که تکیه گاه تشیت و بقایای آزادیهای فردی و اجتماعی باشد ، البته خواسته هایی نیستند که از نقطه نظر تاریخی بتازگی ظهور کرده و در برابر نظام ارتجاعی قد برافراشته باشند . چون تاریخ پیدایش چنین تفکری به قرون گذشته و حتی سه دوران باستانی بر می گردد، ولی از آن جهت می توان آنها را نو پنداشت که در عصر کنونی و

رسانده اند که نیروهای مخالف را بطور چشمگیری وادار به عقب نشینی کرده اند . واقعیت آن است که در دهه های گذشته در میدان خصومتها و کینه ورزیهای میان حکومتها و پشمپشمای حکومتی جهان ، مساله آزادی دمکراسی مورد تعبیرهای گوناگون و اغلب متضاد قرار گرفته بود . برخی از کشورهای جهان که در جبهه شرق جای گرفته و بدنبال استقرار جامعه کمونیستی بودند ، بنابر ایده دیکتاتوری پرولتاریا توجیهی به استقرار يك حکومت دمکراتیک نداشتند ، آنان هر چند از دمکراسی خلقی و پسا دمکراسی توده ای دم میزدند ، لیکن هیچ وقت به دمکراسی به معنای واقعی خود نمی نگریستند و غالباً با نسبت دادن ویژگیهای طبقاتی به دمکراسی و بهانه بردن آنکه دمکراسی نظامی سرمایه داری يك دیکتاتوری بورژوازی است ، به آن می تلختند . از سوی دیگر آن بخش از حکومتهای جهان نیز که نظام سرمایه داری دارند ، هر چند در ظاهر از مدعیان آزادیهای فردی و دمکراسی بودند و در کشورهای خود نیز کم و بیش دمکراسی سیاسی را رعایت می کردند ، اما به بهانه رویارویی با "خطر کمونیسم" و سلطه کشورهای کمونیستی بر

ارباب، مهره‌های دست‌نشانده، خود را بر کشورهای زیر سلطه و عقب مانده می‌نمادند و با حمایت و پشتیبانی از دیکتاتورهای دست‌نشانده دلو رشد هرگونه آرمان دموکراسی و عدالت اجتماعی را سرک می‌نمودند. طبیعتاً در این میان بسیاری از احزاب و سازمانهای برخاسته از میان کشورهای دیکتاتور زده و تحت سلطه، به پیروی از این یا آن بلوک نسبت به دموکراسی و آزادی‌های دموکراتیک با موضعی نمی‌گرفتند و یا حتی در بیشتر مواقع به آن می‌تاختند. بدین ترتیب طی سالیانی دراز مساله آزادی دموکراسی، یا بطور کلی نادیده گرفته می‌شد و یا در بهترین حالت از آن استفاده‌های تبلیغاتی علیه یکدیگر بعمل می‌آمد.

اما اینک زمانه عوض شده است. در بلوک شرق دیگرگونه‌های ژرف و همه جانبه‌ای صورت گرفته که مسیر حرکت همه آنها بسوی رسیدن به آزادی و استقرار حکومت دموکراتیک است. کشورهای بزرگ سرمایه‌داری نیز طبیعتاً ناگزیر در مواضع خود نسبت به حکومت‌های مستبد وجودگامه‌ها تعیین نظرهای کلی کرده‌اند. تضح و رقابت‌های بی‌س دلوک بطور محسوس گاه‌ب‌گاه یافتن و زمینه‌های اتحاد و همبستگی پدیدار شده‌اند. تحت تاثیر این شرایط در بین

سازمانها و احزاب هوادار این دو بلوک و بویژه سازمانهای هواخواه بلوک شرق نیز تغییرات مهمی صورت گرفته است. همه این عوامل مثبت دست به دست هم داده و میدان وسیعی را برای خودنمایی هرچه بیشتر افکار آزادیخواهی و استقرار حکومت‌های دموکراتیک در سراسر جهان بوجود آورده‌اند. اینک همچنانکه مشاهده می‌کنیم اندیشه رسیدن به آزادی به عنوان آرمان والای انسانی و استقرار حکومت مردم بر مردم در قلوب انسانها به تمامی جای گرفته و همگی در تلاشند تا هرچه زودتر به آن تحقق بخشند.

اما طبق همان قانون تضاد، عنصر کهنه نیز بیکار ننشسته و درحالی که آخرین نفسهای خود را می‌کشد، باز هم به تلاشهای مذبحخانه‌ای دست می‌زند تا بلکه بتواند خلوص رشد و شکوفایی افکار آزادیخواهی را سد نماید و نگذارد این آرمان حق طلبانه به همین آسانی کاسخهای خود را بر ویرانه‌های آن بنا نهد. عناصر کهنه در شرایط کنونی البته بطور چشمگیری متفرق گشته و بیشتر اهرم‌های سرکوب را از کف داده و در میان توده‌های نشنه آزادی و کسب حقوق مسلم انسانی مشغول شده‌اند. اما با تحریکات فراوانی که در نتیجه سالیان متمادی سلطه خود کسب کرده‌اند هنوز برای مقاومت رایج تمامی از دست نداده و

می‌خواهند با جنگ و دندان از نیروی نظام فکری خود جلوگیری کرده و یا حداقل مرگ خود را به تاخیر اندازند. این سرد و رویارویی در حال حاضر در سراسر گیتی با شدت هرچه بیشتر ادامه دارد و بیرونی‌های سربیی که به نفع حربه، تواندیشان و دموکراسی - ظلمان روز به روز بدست می‌آیند، از آن حکایت دارد که مقاومت نیروهای ارتجاعی چندان دیربیا نخواهد بود و جهان افق روشنی در برابر خود دارد.

در ایران میدان مبارز و برجسته سرد بین کهنه و نو البته میان توده‌های آزادیخواه دموکراسی طلب و سازمانهای رهبری کننده، این خط فکری از یک سو و حکومت مرتجع و کهنه اندیش آخوندی از سوی دیگر است. واضح است که رژیم جمهوری اسلامی نماینده تفکرات ارتجاعی ترین افشار جامعه، اما محسوب می‌شود و تحت هیچ شرایطی - مگر از راه زور - حاضر نیست در برابر عناصر نو تسلیم شده و حقانیت آن را به رسمی بشناسد. این رژیم بشایر مرشد و ماهیت ارتجاعی خود، نه تنها از هر حرکت آزادیخواهانه و مترقی در داخل کشور هراس دارد و در برابر آن واکنش نشان می‌دهد، بلکه شنیدن هر صدای آزادیخواهی را در هر نقطه‌ای از جهان به معنای مخالفیت

بلوچستان، يك سنگر ديگر مقاومت

بقیه از صفحه اول

نتیجه رژیم پر کشور مآخاکم گردید که به هیچ از حقوق و آزادی های مردم اعتقادی نداشت. هنگامی که توده های مردم خواستهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود را مطرح کردند و ظفهای ستمدیده ایران حقوق ملی مسروشان را مطالبه نمودند رژیم آخوندی تا آنجا که در توان داشت با توسل به سپاه های سیمورد از سر آوردن مطالبات آنان سر باز

زد. آنگاه سر که سوخته شد مردم بر مطالبه حقوق عادلانه خود با عاری می کنند به آخرس ازار همه رژیمهای ضد طبقی یعنی زور و سرکزه دست یازید. در کردستان، آذربایجان، خوزستان، ترکمن صحرا، و بلوچستان و به طور کلی در هر جایی که مردم حقوق آزادیهای خود را طلب کردند، مزدوران رژیم با تد عمل و با آنتی و آهن گداران به مطالبات آنان پاسخ دادند. متأسفانه دلیل نبود

اصلاح و همکاری دولت کوردستان بحر های کوشاکون حبس رهائی بخش ظفهای ایران، رژیم آخوندی به سادگی توانست جنس مردم در اکثر مناطق ایران را سرکزه نموده و حاکمیت جهانی خود را تحمیل کند. تنه منطقه ای که به مدد سواست مبارزاتی و احیای آزادیخواهان و پیاداری سیاسی مردم آن توانست بر سرای خود باسد و در برابر رژیم عدالتی مقاومت کند، کردستان بود. اگرچه رژیم آخوندی با سوء استفاده از احساس مذهبی و با لفاظیات

بقیه از صفحه ۱۶

مستقیم با تفکرات خود میداند. از همین روحکومت جمهوری اسلامی در ایران در صدر نیروهای عقب مانده ای قرار دارد که تلاش دارند هر چه بیشتر عمر حاکمیت انکار قرون وسطایی خود بر توده ها را طولانی نمایند و جامعه را تا آنجا که ممکن است کماکان از کاروان پیشرفت و ترقی عقب نگاه دارند.

در چنین اوضاع و احوالی بر نیروهای مترقی و آزادی طلب کشور که خواستار تغییرات اساسی در ساختار

بورش خود را بر ارتجاع و نیروهای حافظ آن دسترس داده سنگر بندیهای آن را یکی پس از دیگری درهم بکوبند. در این مصاف اتحاد و هم آوایی نیروهای ترقیخواه الهی است شرط اساسی و میرم بحساب می آید. اما متأسفانه دیده میشود که شماری از نیروها و اشخاص که در حبه خاصمان رژیم قرار گرفته و حتی در برابر اعمال سرکوبگرانه رژیم فداکاریها از خود نشان داده و می دهند، هنوز به ضرورت و حقانیت دموکراسی و آزادیهای دموکراتیک پیسی نبرده اند و عملاً در همسان راهی قبح بر سر میدارند که در

دفاع از افکار منسوخ و نادرست قدیمی شمرده میشود. چنین نیروهایی باید بخود آیند و شرایط زمانگی و ضرورت تاریخی جامعه ایران را درک کنند. آنانکه ادعای ترقیخواهی و مخالفت با ارتجاع را دارند، باید واقفا توجه خود را به این امر میذول دارند و در نتیجه در جهتی قدم نهند که پیروزی نو بر کهنه را ممکن ساخته و آرمان آزادی و حکومت مردم بر مردم را برقرار سازد. راهی که هم اینک به راه همه رهروان راستین عدالت اجتماعی و حقوق مسلم انسانی تبدیل

بلوچستان است که رژیم —

جمهوری اسلامی را محسوس کرده است جنس فرار از داد و ستدانی و تنگی را با رژیم پاکستان منعقد سازد. اما مبارزه مسلحانه ظلم بلوچ خنان بعد و دامنه ای یافت که در بهار جاری، دستگاه تبلیغاتی رژیم آخوندی چند بار تاجار شد به فتح و ظفر نیروهای اعلام !! در بلوچستان علیه باصطلاح اشرار مسلح و هداغلات اشاره کند.

همه میدانم که مدتهاست هم در رژیم شاه و هم در رژیم آخوندی "عدالت‌طلبان" و "اشرار مسلح" دو نام مستعار برای مبارزان راه آزادی است. هم از اینرو از لحن سخنان حکام ایران و دستگاه‌های تبلیغاتی می‌شود دریافت آنچه که در بلوچستان می‌گذرد، قیام مسلحانه فرزندان خلق ستمدیده به منظور دستیابی به حقوق عادلانه و انصاف شده مردم آن سامان است. علاوه بر این چند مصاحبه مسؤولین و نمایندگان جنس خلق بلوچ با رادسوهای خارجی با اندازه ای برده اتهام را از روی حقیقت به کنار رد و برای هیچ کس بریندی باقی نگذاشت.

ما خریدیم که مبارزه مسلحانه مردم بلوچستان به منظور دستیابی به حق بود. درین وجه شروع خلق بلوچ

هم که عدالت تاجار شده از

طریق دستگاههای تبلیغاتی چیزی درباره بلوچستان بحث نماید. انقلابیون بلوچ را قاضی مواد منسدر و راهزن معرفی نموده است. تنها از نیمه دوم سال گذشته - سال ۶۸ - به این طرف است که رژیم تاجار شده مسئله بلوچستان را به شوه دیگری - و البته این بار نیز بطور نامفهم و پوشیده - به میان بکشد.

در آذرماه سال گذشته رژیم جمهوری اسلامی اعلام داشت که با دولت خانم به نظر سوبو در پاکستان توافقنامه ای امضا کرده که به موجب آن رژیم پاکستان به اصطلاح عدالت‌طلبان و اشرار مسلح را دستگیر و به ایران تسلیم می‌نماید. ما همان موقع در یکصد و پنجاه و هفتمین شماره نشریه "نوردستان" این مسئله را به بحث گذاشتیم و گفتیم: بدیهی است کسانی که بعنوان اشرار مسلح از آنها نام برده می‌شود همانا انقلابیون خلق بلوچند که به دستگیری به حقوق ملی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مردم بلوچستان تکیه می‌کنند.

اما قرارداد کذابانه با پاکستان به خودی خودستی بود بر کترین مبارزه رهایی جنس خلق بلوچ. معلوم بود که این مقاومت مردم

ریاکارانه توانست برنده زیادی از ساکنان دیگر نقاط ایران را مسح کرده و تحت عنوان جهاد علیه کفار به بلوچستان گسیل دارد. اینحال امان ظل نمایندگی فرزندان برومند خلق کرد به حقانیت خواستهای سیاسی شان خمر سابه نمایندگی کم نظیری شد که خوشحاله تا کنون ادامه دارد و همچنان در حال پیشروی است. بلوچستان پس از بیش از ده سال مقاومت همچنان خار جنم دشمنان آزادی و مانع امید طلوعهای ایران است و به سگر تسخیر نپذیر آزادی در سراسر ایران سدل گشته است.

طی یازده سال حکومت آخوندی گاهگاهی از منطقه بلوچستان نیز اخبار جنس رهایی بخش و روستایی مسلحانه فرزندان برومند مردم به نیروهای سرکوبگر رژیم به گوش رسیده است. متأسفانه بدلیل دوری بلوچستان از بلوچستان - بلوچستان در غرب و بلوچستان در جنوب شرقی ایران قرار دارد. اطلاعات خدان دقیقی از آنچه که در بلوچستان می‌گذرد در دسترس نیست. طی این مدت رژیم آخوندی نیز به منظور آنگه مردم ایران و افکار عمومی جهان را سببه رویدادهای بلوچستان در سیخری نگاه دارد، تدریجاً آنها را اشاره کرده است. هنگامی

گسترش می‌یابد. و از اینکه در منطقه دیگری از ایران سکر تازه ای جهت تکمیل فعالیتها و عملی علیه رژیم آخوندی بوجود آمده است، احساس دلگسری می‌کنیم و از صمیم قلب رشد و توسعه این مبارزه مقدس و انقلابی را آرزو مندیم.

کردستان و بلوچستان بسیاری جهات همانند هستند. در بلوچستان هم‌دور کردستان ظمی محروم در سرزمین سبکانش زندگی می‌کند که از همه حقوق ملی خود محروم شده است. هر دو منطقه از عقب افتاده‌ترین نقاط ایرانند و از نظر مذهبی نیز کردستان و بلوچستان نزدیکی‌های بسیاری دارند زیرا اکثریت ساکنان هر دو منطقه را پیروان مذهب تشنن تشکیل می‌دهند.

بدین ترتیب دو جنبش رهایی‌بخش در بلوچستان و کردستان نقاط مشترک و تعاهم و نزدیکی بسیار زیادی با یکدیگر دارند. هر دو برای کسب آزادی و دموکراسی و تحقق حقوق ملی ظمی متمدیبه و بطور کلی برای جامه عمل پوشاندن مطالبات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی توده‌های انسان

دو خلق کرد و بلوچ برقرار کردند. هر دو جنبش از طریق روابط دوستانه و دیدارهای نمایندگان سازمانهای انقلابی با متکلات گندمگر آشنا شوند. هم‌دیگر را آساری رسانده و در عرصه‌های مقدور مبارزه با رژیم همکاری به عمل آورند. آرزو مندیم که در همه نقاط ایران طبقه‌های متمدیبه و طبقات و اقشار طبقی و دمکراتیک به منظور تحقق یخندن به خواستهای خویش با به عرصه مبارزه بگذارند و در هر نقطه از ایران تنگری مستحکم جهت قیام بر علیه ظلم و استبداد بوجود آید. در چنین شرایطی است که رژیم آخوندی توانایی مقاومت در برابر اراده توده‌های مردم را نخواهد داشت و

ساحار از میدان بیرون خواهد رفت. حزب دمکرات کردستان ایران طی ۴۵ سال مبارزه سیاسی و عیسی از ده سال مبارزه مسلحانه، تحسین کارانهایی کسب نموده است. حزب ما تماماً آماده است آزمون و تحارب خود را در اختیار انقلابیون خلق بلوچ و هر حرکت ترقیخواهانه ای در هر نقطه میهمان قرار دهد. در عین حال به منظور تقویت سکر سکر علیه ارتجاع حاکم و در حد توان امکانات خود آماده است هرگونه مساعدت سیاسی و نظامی و اطلاعاتی در اختیار جنبش سراسری و جنبش رهایی‌بخش طبقه‌های متمدیبه ایران قرار دهد.

بقیه از صفحه ۲۰

که بر عهده گرفته اند خوبی به انجام برسانند. یاردیگر به شما تهنیت می‌گوئیم و سلامت و موفقیتتان را آرزو مندیم.

گرامی یاد دهمین سالگرد تأسیس

مدای کردستان ایران! سرتگون با در رژیم ضد خلقی آخوندی! سرور باد جنبش ملی دمکراتیک خلق ما به رهبری حزب دمکرات کردستان ایران!

۲۷ خرداد ۱۳۶۹

رفقا! در تودنه و یخش هر چه بهتر کردستان بکوشیم

پیام تبریک

به گردانندگان رادیو صدای کوردستان ایران

همکاران عزیز!

گردانندگان رادیو صدای کوردستان ایران!

نویسندگان و گردانندگان روزنامه "کوردستان" ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت دهمین سالروز پایه گذاری رادیو صدای کوردستان ایران همراه گرمترین درودهای انقلابی، بهترین تهنیت های خود را به شما تقدیم می دارند.

از بدو تاسیسی حزب دمکرات کوردستان ایران، روزنامه "کوردستان" به عنوان ارگان کمیته مرکزی حزب، همواره رسالت سرگی گسه عمارت از انتشار سیاست و خط مشی مترقیانه حزب بوده است، بردوش داشته است.

کوردستان تنها در دوره کنونی انتشار خود، بلکه پیش از بدست سال است که در شرایط سخت و دشوار مبارزه حزب و خلق ما ناشر افکار و سیاستهای حزب دمکرات است، اما در فضای خفقان آور سیاسی و در زیر سایه دب کثاتوری و استبداد کوردستان قادر شده است در شهر به شهر، ده به ده و خانه به خانه کوردستان به

گر دش برداخته توده های میلیونی خلق کرد و دوشان و طرفداران حزب را از سیاستها و مواضع حزب مطلع نماید.

به همین خاطر، صدای کوردستان ایران که آن هم تنها در مرحله کنونی از فعالیتهاش ده سال است که زبان حال حزب محبوب ما تبدیل گردیده است و امروز دهمین سالروز تاسیس آن را جشن میگیریم، همکار و پشتیبانان از زشمندی برای روزنامه ما بوده است. زیرا علاوه بر اینکه به طریقی مستقل در انتشار سیاست و خط مشی حزب گوسیده و در انجام این مهم موفق بوده است، بخش کثیری از گفتارهای روزنامه "کوردستان" را نیز برای توده های مردم بخش کرده و به این طریق "کوردستان" را در انجام وظیفه مقدس خویش یاری داده است.

بهبوده نیست که رژیم ضد خلقی آخوندی در طول عمر رادیو صدای کوردستان ایران همه توان خود را در راه خاموش ساختن آن به کار برده است، اما با همت رهبری و تلاشها و شت زنده داریهای شما رفقای گرامی، رادیو صدای کوردستان

ایران روز بروز نیرومندتر و محتوای برنامه های آن غنی تر و از نظر هنری و تکنیکی نیز مدرن تر شده است. هم اکنون میلیونها شنونده در کوردستان، ایران و کشورهای همسایه ایران هرروزه مشتاقانه به برنامه های این رادیو گوش میدهند و در انتظار شنیدن اخبار مبارزه فرزندان خلق کرد و نیروی پیشم سرگ کوردستان اند. و ما با این طریق رادیو صدای کوردستان ایران از مواضع و خطوط سیاستهای حزب راجع به مسائل سیاسی و رویدادهای ایران و دنیا آگاه گردند.

در دهمین سالروز تاسیس صدای کوردستان ایران، نویسندگان و گردانندگان روزنامه "کوردستان" به عنوان نزدیکترین همکاران شما آرزو دارند، صدای کوردستان ایران در انجام وظایف انقلابی خویش هرچه بیشتر موفق باشد. تردیدی نیست که صدای کوردستان ایران در آینده که مبارزه حزب و خلق ما به مرحله پیشرفته تری قدم خواهد گذاشت نقش چشمگیرتر و وظیفه سنگینتری را برعهده خواهد گرفت. امیدواریم همکاری میان دو ارگان تبلیغاتی حزب، صدای کوردستان ایران و روزنامه "کوردستان" روز به روز مستحکمتر گردد و شادوش هم بتوانند وظیفه مقدس را